بازنگری قصه خلقت آدم در قرآن و تورات با تاکید بر سبکهای داستان گوئی

عباس همامی[۱]
مجدت نقوی[۲]

چکیده

قرآن کتاب هدایت بشر در تمام اعصار است و بدین منظور از شیوه های متفاوت بیانی بهره گرفته است. در قرآن کریم نیز خداوند متعال به منظور تسریع در فهم و آسان سازی مطالب و تنزّل مفاهیم عمیق معنوی ،در روح و جان آدمی، از قالب قصه و در قصص از سبکهای مختلف بیانی بهره برده است که بخش قابل توجهی از آیات را به خود اختصاص داده است.داستان خلقت از جمله حکایتهای مطرح شده در قرآن و تورات میباشد که در این مجال به بررسی شیوه های انتقال مفاهیم اخلاقی و معرفتی در این قصه میپردازیم.

کلید واژه ها:قصه؛اسطوره؛تمثیل؛ خلقت، تورات، قرآن،سبک داستانی

۱-استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ah@hemami.net
۲-دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی penhan۴۹@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

بیان مساله

خداوند متعال جهت ایضاح معانی، جلب نظر و توجه مخاطبان و انتقال مفاهیم والای معنوی و تعلیم دستورات اخلاقی و معارف دینی درداستان خلقت از سبکهای مختلف ادبی و داستان گوئی استفاده نموده در این میان داستانهای تورات و انجیل نیزدربردارنده ی تمثیل‌های کوتاه و بلندند. لذا علت وجود تمثیل در کتب آسمانی به ویژه قرآن، گزارشگری تاریخی نیست در این مقاله با نگاهی نو به متون دینی و خوانش دوباره حکایت خلقت ، شیوه های انتقال مفاهیم تربیتی و اخلاقی را در هریک از حکایتهای مطرح شده در داستان خلقت در قرآن کریم و عهدین ،مورد مطالعه قرار می دهیم و به این سوالها میپردازیم که:

۱- قرآن و تورات در بیان وقایع خلقت چه عناصری را مد نظر قرار داده و از چه سبکهایی استفاده نموده اند؟

۲- چه تفاوتی بین اسطوره پردازیهای کتاب مقدس و داستانهای قرآنی از حیث ارائه گزارشها و سبکهای بیانی گزاره ها وجود دارد؟

پیش فرضهای تحقیق

۱- قرآن ضمن تصحیح اعتقادات و باورهای مردم و تبیین رویدادهای موجود در کتاب مقدس و بیان حقایق ،عناصر منفی و خرافی و تخیلی کتاب مقدس و اساطیری را رد و عناصر مثبت آن را با سبکهای گوناگون و متناسب با ظرفیت مخاطب و به تناسب فضای فکری و تربیتی حاکم بر سوره با بیانی گاه کم رنگ و گاه پررنگ تایید نموده و نیز باز آفرینی کرده،تعلیم می دهد.

۲- از آنجا که هر کلامی ظرف زمانی و مکانی خاصی می طلبد،به نظر می رسد گزارشهای کتاب مقدس نیز در ظرف زمان و مکان ویژه ای قرار گرفته و از آن تاثیر گرفته است لذااحتمال دارد بخشی از مقوله های کتاب مقدس برگرفته از باورها و مظاهر اعتقادی مردم و اسطوره های رایج در آن عصر باشد.

ضرورت تحقیق

داستان آدم ع و سایر پیامبران الهی رویدادی است که پژوهشگران بسیاری در طول تاریخ درباره آن مطالعه و پژوهش کرده اند.در متون دینی نیز در مورد نخستین انسان مطالب بسیاری آمده است تفاوت نقلها و اختلاف برداشتها و تحلیلهای متفاوتی از این داستان ارائه شده که جمع بندی و نتیجه گیری را سخت نموده است بخصوص اینکه در حوزه تفسیر اسلامی نقلها و تحلیلهای نادرستی راه یافته است در این مجال ما بدنبال بررسی همه ابعاد این داستان نیستیم چرا که داستان پیدایش ؛ هابیل و قابیل ؛ هبوط آدم و... از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و مجموعه هایی از نقلها و نوشتارها در این زمینه تدوین گشته است .آنچه بدنبال آن هستیم، شیوه های انتقال پیامها و مفاهیم تربیتی است که در سرتاسر این داستان بکار گرفته شده است و در این زمینه کار مستقلی انجام نگرفته است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

مفهوم شناسی قصه

المنجد ریشه قصه را « ق.ص.ص »و مصدر ثلاثی مجرد قص یقص قصا و قصصا اعلام کرده علاوه بر معانی دیگر، معنای خبر دادن و گفتن و تعقیب کردن و حفظ کردن و نقل کردن سخن و ...را نیز آورده است.(لوییس، ۶۳۱)لسان العرب نیز چنین بیان میدارد:قصه یعنی خبر و قصصت الرویا یعنی اخبرت عن ...(ابن منظور، ۱۱/ ۱۹۰) لغتنامه های فارسی مانند دهخدا معانی شأن و خبر و حدیث و گزارش و سرگذشت و..را برای معنی قصه برمیشمرد.(دهخدا،۱۱ /۱۵۵۳۳)در معنای اصطلاحی قصه نیز می توان گفت :اصل قصه در عربیت پیروی از شییی است و چون در قصه برخی از حکایات دنبال حکایات دیگر است ،آن را قصه گویند.(سجادی، ۴۸۷)

در قرآن کریم واژه «قصه» بکار نرفته است اما لفظ "قصص"در مجموع هفت بار در قرآن بکار رفته که شش مورد آن در ضمن آیات به صورت اسم و در معنای داستان و خبر و سرگذشت استعمال شده و یک مورد هم نام سوره بیست و هشتم قرآن است. در آیات قران سه معنی از این واژه قابل استنباط است :

۱- دنبال کردن و تعقیب نمودن «**فارتدا علی آثارهماقصصا**» (الکهف،۶۴)

۲- بیان کردن و حکایت نمودن « **نقص علیک احسن القصص**» (یوسف،۳)

۳- اخبار و سرگذشتها « **فی قصصهم عبرة**» (یوسف،۱۱)

مفهوم شناسی اسطوره[۱]

اساطیر برگرفته از ریشه «س. ط. ر » می باشد در باره مفرد و معنای آن دیدگاههای متفاوتی وجود دارد.برخی همانند فراهیدی و لسان العرب آن را جمع اسطوره و به معنای سخنان بی سامان معنی کرده اند(فراهیدی،۲ / ۸۱۹ و ابن منظور،۶ / ۲۵۷) و برخی دیگر اساطیر را جمع الجمع یعنی جمع اسطار و اسطار جمع سطر به معنای سخنان مکتوب شگفت و یا به معنای سخنان نامنظم اورده اند(الشرتونی،۲ / ۶۶۴ و ابن منظور،۶ / ۲۵۶) برخی معتقدند که اسطوره از واژه یونانی هیستوریا (Historia) به معنی جستجو وآگاهی و داستان گرفته شده است. بازمانده این لغت در زبان انگلیسی (Story)می‌باشند .(کزازی، ۲) برخی گفته اند اسطوره همان افسانه ،قصه و یا روایتی از دوران باستان است که معمولا درباره بوجود امدن اشیا و حیوانات و یا قهرمانان کهن یک ملت میباشد که همین ها جزیی از فرهنگ آن ملت شده اند.(انوری،۳ / ۳۹۹) اما در اصطلاح قرانی اساطیر بر وزن افاعیل و مشتق از ریشه" س ط ر "می‌باشد. و فی الکتاب مسطورا، یعنی در کتاب نوشته شده است و اساطیر یعنی چیزهای باطل مفرد انرا اسطوره و اسطاره آورده اند.(طریحی، ۱/ ۳۷۱ ؛ راغب، ۴۰۹) اسطوره برای اولین بار برای روایاتی از کتاب مقدس در قرن هیجدهم بکار رفت آن هنگام که سوال از تاریخ نگاری یا تاریخ گرایی در رابطه با فصلهای نخستین کتاب آفرینش مطرح شد.گفته می شود روایات کتاب مقدس دربرگیرنده حقایق فلسفی است نظیر روایت "باغ عدن " ویا براساس هسته

[۱] - برای مطالعه تفصیلی بنگرید:به اولیۀ النص نظرات فی النقد و القصه و الاسطوره والادب الشعبی، طلال حرب،الباب الاول، الفصل الثالث

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

اصلی یک حقیقت تاریخی است در میانه قرن نوزدهم واژه اسطوره معنای دقیقتری در تحقیقات مربوط به کتاب مقدس پیدا کرد.(Encyclopediya,۲/۷۳۰)

مفهوم شناسی تمثیل

واژه تمثیل در اصل از م ث ل است و مثل عبارت است از مثل آوردن ،تشبیه کردن چیزی را به چیزی،نقل نمونه و مثل و مانند و داستان و افسانه و کنایه(دهخدا، ۴/ ۶۱۰۷) در لغت عرب نیز به معنای نظیر و تصویر شیی است .(فراهیدی، ۳/ ۱۶۷۴) .کشاف نیز در معنای تمثیل اینچنین گفته مثل در کلام عرب یعنی نظیر و شبیه و اگر کلامی را به شیوه تمثیل به کار برند آن را مثل میگویند.(زمخشری،۱ / ۷۲) در یک تعریف تمثیل را به دو نوع تقسیم و تعریف کرده اند :یک نوع آن تمثیل موجز یا همان ضرب المثل است و نوع دیگر تمثیل مشروح است که خود تمثیل مشروح پنج نوع است:مثل؛رمزی؛دینی؛اسطوره و مجموعه قصص یا اعتقادات و یا روایات تاریخی .که از بین این انواع مختلف ،اصطلاح ادبی تمثیل به معنای مثل آوردن یا تشبیه در بحث زبان قرآن مطرح است (حکمت،۴ /۵)سیوطی نیز به نوبه ی خود تمثیل های قرآنی را به دو دسته کلی ظاهری و مخفی تقسیم نموده که در نوع اول واژه مثل بکار رفته یا در قالب تشبیه آمده و در نوع دوم واژه مثل در آیه بکار نرفته است.(سیوطی،۲/ ۴۱۳) کلمه مثل در قرآن نیزبه پنج معنی آمده است:به معنی حکایات تمثیلی؛داستانهای گذشته و تواریخ ماضیه؛به معنی شبیه؛به معنی صفت و به معنی نمونه کامل.(حکمت، ۱۲۰- ۱۲۱)

شیوه های تبلیغ انبیا در قرآن

یکی از نکات حائز اهمیت در بررسی شیوه های انتقال مفاهیم اخلاقی و معرفتی در قصص قرآن ،شناخت زوایای حیات عبرت انگیرو مطالعه تلاشهای وقفه ناپذیر پیامبران بزرگ الهی در مسیر رسالت آن بزرگواران می باشد تا شیوه های اتخاذ شده توسط آنان و راهکارهای اساسی قرآن در جهت انتقال پیامهای دینی شناسایی شوند به ویژه اینکه انبیاء عظام در اعصار مختلف با مخاطبهای مختلفی سرو کار داشتند و ضروری بود که اینان با شناسایی صحیح نیازهای زمان و روحیه و افکار مخاطبینشان روشهای مناسبی برای انجام رسالت خویش انتخاب میکردند.روشهایی همچون تصحیح رفتار؛ بازدارنده گی؛دعوت به تفکر و تذکر؛توجه به زمان و مکان موعظه؛حکمت؛استفاده از بینات – رعایت اختصار در موعظه ؛پرهیز دادن از تقلید و خرافه پرستی؛برخورد متناسب با مخاطب؛تکلیف متناسب با وسع؛ ؛مطالعه سرگذشتها ؛خطاب غیر مستقیم بیانی و عملی،کنایه و تعریض و تلویح ابهام و اجمال ، تحکیم ایمان، سوگند؛ ضرب المثل وروشهای مختلف تنبیه ؛توریه[۱] ؛محرومیت؛مجازات و عذاب؛ تواضع و پیشتازی در عمل به گفتار ؛حرکات سوال برانگیز مربی(داستان خضر و موسی)اخبار غیبی –براهین عقلی و نقلی سیر و سیاحت تبلیغی ؛مرحله بندی تبلیغ و...اما از آنجا که نوشتار حاضر سعی در تجزیه و تحلیل بخش دیگری از آیات الهی است و در این

[۱] –اسلوب توریه :الفاظ مشترکی که یکی از معانی آن نزد متکلم و مخاطب واضح است و نیاز به تامل و تعمق نیست اما معنای پشت پرده دیگری هم دارد که بلاغیون آن را توریه نامیده اند و اکثر متشابهات از این دسته هستند.افزون بر اینکه در توریه علاقه ای بین لفظ و معنی نیست برخلاف کنایه و مجاز.(فتحی،بی تا،۸۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

مجال امکان بررسی نکات مذکور نیست ،پیشنهاد میکنیم برای اطلاعات بیشتر بـه منـابع معرفـی شـده رجـوع شود.[1]

تعریف سبک

اصطلاح سبک در زبان شناسی و ادبیات بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق میشود .در تعریفی دیگر گفتـه شده سبک عبارت است از شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین بوسیله شخص معین بـرای هـدفی معـین.در این نوشتار تعریف فوق را پایه ی کـار خـود قـرار داده بـه تحلیـل سـبکهای انتقـال مفـاهیم و پیامهـای الهـی داستانهای قرآن می پردازیم.[2]

نگاهی کلی بر شیوه های انتقال مفاهیم در قصص قرآن

اجمالا برای انتقال اطلاعات ،ارائه نظرات و القائات ذهنی و پند و اندرز دو روش معمـول اسـت یکـی شـیوه ادبی و دیگر رویه نوولی .در شیوه ادبی آنچه منظور گوینده است بطور مستقیم و صریح بیان میشود .و شیوه نوولی انتقال اطلاعات بطور غیر مستقیم .این سبک در همه جا و توسط همه شعرا و نویسندگان به کار گرفته شده حتی انسانهای اولیه با نقاشی بر روی سنگ و دیوار قصد بیان مقصودی را داشـتند وایـن شـیوه هنگـامی ارزشمند است که دارای رشالت معینی باشد یعنی متوجه به هدفی باشد.(هاشمی،۵)

در سبک نوولی گاهی موضوع مورد نظر هرچه که باشد از زبان مشاهیر است که نیروی تخیل خلاق و تصور و نبوغ نویسنده آنرا آفریده است.اما پدیده شگفت آور پیرامون داستانهای مذهبی این است که ایـن داسـتانها در زمانهای بسیار دور و قدیمی تر از تاریخ مـدون نوشـته شـده و در نهایـت سـادگی حقـایق علمـی فلسـفی اخلاقی و روان شناسی را بطور استعاره و کنایه و تمثیل و تشبیه بیان نموده اند.(هاشمی،۹)

اما در چگونگی ارائه تعلیمات قرآنی ؛گاهی قرآن خود نکات برجسته آموزشـی قصـه هـا را اسـتخراج و بـه انسانها اعلام میکند این نکات هم در خلال بیان داستان و هم در پایان به شکل نتیجـه گیـری کلـی در اختیـار انسان قرار داده شده است.و گاهی بسیاری از پندها و موعظه ها از زبـان شخصـیتهای قصـه هـا گوشـزد شـده اسـت و رونـد تعریـف داسـتان بـه گونـه ای اسـت کـه خـود خواننـده در موقعیـت نتیجـه گیـری قـرار مـی گیرد.(برومند،۱۸۷)

۱- برای مطالعه بیشتر نک: اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان،مصطفی عباسی مقدم،۱۳۷۹ ۲-مقاله بررسی تطبیقی اصول و روش های تبلیغی در قرآن و عهد جدید،عباس همامی- محسن زارعی جلیانی،مجله :پژوهش دینی - شماره ۱۵،علمی-پژوهشی ۳۴ ،صص ۲۷ تا ۶۰ پاییز ۱۳۸۶ ۳-تفسیر المرتب منهج للیسر التربوی، اسعد احمد علی در کتاب مذکور، تربیت اسلامی ـ قرآنی را بر اساس ترتیب نزول آیات و سور، تنظیم و تدوین کرده است.**در طرح او، تربیت قرآنی شش مرحله داشته و دارد:**مرحله نخست: شناساندن حکمت تربیتی جاودانه مرحله دوم: طلوع سپیده دم مرحله سوم: شکوفایی ژرفای عناصر تربیتی مرحله چهارم: بیداری و خیزش امت عدل و حق مرحله پنجم: مرزیابی فطرت و هواها مرحله ششم: تداوم ,و استمرار پیروزیها .نویسنده، در پرتوی این تعابیر ادبی، نکات محتوایی را مطرح می‌کند.وی معتقد است نزول سوره های قرآن براساس یک سیر تربیتی مدون و جامع صورت گرفته که در نهایت منجر به تربیت امت اسلامی در زمان رسولخدا ص شده است از این رو در کتاب خود تربیت اسلامی –قرآنی را براساس ترتیب نزول آیات و سوره ها تنظیم کرده است. (جعفری، پژوهشهای قرآنی صفحه۲۷۲ ـ ۲۹۶)

۲- نک: سبک شناسی نظریه ها،رویکرها و روشها ،محمود فتوحی ۱۳۹۰،کتاب نخست

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

ذکر مثال و سرگذشت و یا داستان ، یکی از بهترین روشها برای تفهیم عامه ی مردم است . زیرا هدف قرآن آگاه سازی عموم جامعه است و در این راستا ، باید از زبان و بیانی روشن استفاده نماید به تعبیر نظام الدین نیشابوری گاهی انسان معنایی را برای بیان در نظر میگیرد ولی میزان تاثیر آن را نمیداند و وقتی آن بیان را با نمونه و مثال ارائه می کند در میابد که سخنش تاثیر گذار شده بویژه اگر آن مفهوم موعظه ای درباره سرگذشت پیشینیان باشد حتما باید همراه با ذکر مثال باشد تا موثر واقع گردد.چرا که ذات انسان او را بر می انگیزد تا از کمالات و زیبائیها الگوبرداری کند (نیشابوری،۱/ ۲۰۳) .حال به این منظور قرآن ضمن بیان سرگذشتها و حکایتهای گوناگون پیشینیان،نکات تربیتی و اخلاقی را به شیوه غیر مستقیم به مخاطب میرساند.از جمله این داستانها ،قصه حضرت آدم ع است.

شیوه های انتقال مفاهیم در داستان خلقت

۱- ارائه نمونه برای تفهیم موضوعات کلامی:آفرینش آدم از خاک رهگشای حل بعضی از مسایل پیچیده کلامی و فلسفی است زیرا هم اشکال آفرینش حضرت عیسی بدون لقاح و نکاح و هم وجود معاد که خلق جدید انسان از خاک است مرتفع خواهد شد در آیه ۵۹ سوره آل عمران میفرماید: « **إِنَّ مَثَلَ عيسى عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُن فَيَكُون** » از آفرینش آدم بدون پدر استشهاد شده بر امکان آفرینش عیسی بدون پدر و محور اصلی این جریان ،تشبیه عیسی به آدم است نه تشبیه مریم به حوا .(جوادی آملی، ۶ /۲۱۶) بیان اینگونه ی خلقت اولیه آدم توسط خداوند متعال و تشبیه بکار برده شده راه را برای پذیرش خلقت دوباره چنین موجودی بدون واسطه والد هموار مینماید و لزوم داشتن پدر آسمانی برای عیسی را رفع می نماید.

۲- شیوه تخاطب یا گفتگو

داستان خلقت به گونه گفتگو عرضه شده چنان که در ادبیات داستان نویسی معمول است،گاهی جزئی از داستان را تشکیل میدهد و گاه مستقلا زبان داستان را تشکیل میدهد گفتگوی خدا و فرشتگان اسرار نگرش فرشتگان در این زمینه را آشکار میکند و خوانندگان بطور مستقیم با زبان خود فرشتگان با دقایق اندیشه های آنان آشنا میشوند ادامه گفتگو ارزشهای وجودی آدم را روشن میسازد.(بستانی،۱۹-۲۱)

۳- بکارگیری نماد و رمز و تمثیل[۱] : به عقیده برخی پژوهشگران علوم قرآنی ،شیوه قرآن این است که مسایل و مفاهیم ذهنی و به اصطلاح معقولات و یا حقایق مافوق محسوسات را به یاری تمثیل و تشبیه معقول به محسوس بیان میکند تا بدین وسیله امکان شناخت درست را برای ما فراهم سازد از اینرو میگویند :مجادله سه طرفه ای که بین خداوند متعال و ملائکه و آدم علیه السلام در آیه ۳۰ سوره البقره انجام گرفت : «**وَ إِذ قَالَ رَبُّكَ لِلمَلَئِكَةِ إِنىِّ جَاعِلٌ فىِ الأَرضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تجعَلُ فِيهَا مَن يُفسِدُ فِيهَا وَ يَسفِكُ الدِّمَاءَ وَ نحَنُ نُسَبِّحُ بحِمدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنىِّ أَعلَمُ مَا لَا تَعلَمُونَ** »و نسبت گفت و شنودی که به آنها داده شده به گونه ای که ما تصور

۱- سبک تمثیلی:در این نوع گفتار مفاهیم در جریان انتقال پیام که قاعدهٔ باید مستقیما از گوینده به مخاطب برسد، معمولا به شکل غیر عادی و غیر مستقیم انتقال میابد و دریافت پیام به آسانی صورت نمیگیرد. بنگرید به انواع ادبی،سیروس شمیسا،۱۳۸۳،۲۷۱-۲۷۸

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

میکنیم و بین آدمیان مرسوم است انجام نگرفته چرا که ذات خداوند متعال مبرا از صفات مخلوقات است و این نسبت ها صرفا برای فهم و تقریب به ذهن ما آدمیان است که در مرتبه اول جز محسوسات چیز دیگری را نمیفهمیم (یوسفی اشکوری،۳۲؛ ۳۳).داستانهای قرآن با آنکه واقعیت دارد و بر قضایای خارجی استوار است، اما جنبه‌ی نمادگونه و رمزی دارد. به این معنا که هر نکته‌ای از آن، اشاره به حرکت و روندی از فعل و انفعالات جهان دارد، که با زبان محسوس و مادی قابل تفسیر نیست. نظیر قصهٔ خلقت حضرت آدم علیه السّلام، زیرا در این قصه نمادین و رمزی چنین نیست که خداوند با فرشتگان جلسه‌ای تشکیل داده باشد و با آنان مشورت کرده و آنان متقابلا اعتراض کرده باشند و در نهایت نظر خدا را پذیرفته و در برابر آدم سجده کرده باشند. زیرا از ملائکه‌ی مجرد و معصوم از گناه، چنین مطالبی سر نمی‌زند مگر آنکه بگوییم این واکنش و نقل سخنان، نمادی از قضایایی واقعی است. همچنین در این قصه کلماتی ادا شده که با معنای ظاهری آن قابل تفسیر نیست، مانند خوردن میوه از درخت.(ایازی،۱۵۲)مگر اینکه به موضوع با دید دیگری نگاه کنیم و بگوئیم مراد از گفتگوی خداوند با ملائکه ایجاد و خلق صوت از جانب خداوند بوده همانند ایجاد صوت در سوره طه « **فَلَمَّا أَتَتَهَا نُودِیَ یَمُوسیَ إِنیِّ أَنَا رَبُّكَ فَاخلَع نَعلَیكَ إِنَّكَ بِالوَادِ المُقَدَّسِ طُوًی** » (طه، ۱۱-۱۲)"در غیر اینصورت باید قبول کنیم گفتگویی معمول صورت نگرفته بلکه یک داستان عمیق فلسفی است که به شکل گفتگو تنظیم شده مثلا آنجا که خداوند درباره جعل خلیفه با ملائک سخن میگوید اگر گفتگو را واقعی بگیریم برداشت اولیه ای که به ذهن می آید این است که خداوند برای مشورت و رایزنی با فرشتگان موضوع را با آنها در میان گذاشت درحالیکه می دانیم خداوند متعال بی نیاز از اینگونه مسایل است بلکه این گفتار چنین باوری را به انسان را القاء میکند که علاه با صرف نظر ازاینکه آنچه که در قرآن آمده حقیقت محض است اما این حقایق عمیق بدلیل اینکه برای ما مستقیما و کاملا قابل درک و دریافت نبوده تنزیل یافته و با رمز و استعاره بیان شده است.(یوسفی اشکوری،۳۴)در باره صحنه دیگری از این داستان که مربوط به عرضه امانت به انسان و سایر موجدات است، زمخشری معتقد است مراد از امانت "طاعت" است زیرا طاعت لازمه وجود و امانت لازمه ادا است و پیشنهاد امانت به کوه و آسمانها و زمین و...و عدم پذیرش آنها همگی مجاز هستند چرا که این امر محال است و در این آیه حالت تکلیف از حیث دشواری و سنگینی بار مسوولیت آن به حالت مفروضی همانند شده که اگر آن را به آسمانها و زمین عرضه میکردند ،سرباز میزدند و نمیپذیرفتند .(زمخشری،۳ / ۵۶۵) البته لازم است در بکارگیری زبات نمادین و حمل آن به آیات قرآن بسیار سنجیده و دقیق باشیم و بر همین اساس در صورتی مجاز هستیم که زبان نمادین را به قرآن حمل کنیم که اولا امکان حمل بر معنای حقیقی وجود داشته باشد و ثانیا باید قرینه صارفه ای وجود داشته باشد تا بواسطه آن زبان نمادین را به آیات قرآن حمل کنیم.[1](حاجیان،۱۳۵)

۴- بکارگیری هنر در بیان واقعیتهای تاریخی: در جریان خلقت ،عرضه امانت در آیه « **انَّا عَرَضنَا الأَمَانَةَ عَلیَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ وَ الجِبَالِ فَأَبَین أَن یحَمِلنهَا وَ أَشفَقنَ مِنها وَ حَمَلَهَا الانسَنُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** »

۱- برای مطالعه تفصیلی نک: به قرآن زبان نمادین ،اسطوره و هرمنوتیک، فردوس حاجیان،۱۳۹۱،ص۱۲۷-۱۴۳

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

(الاحزاب، ۷۲) عرضه امانت به کوهها و آسمان و زمین و سرباز زدن آنها و پذیرفتن انسان در واقع برای نشان دادن استعدادهای موجودات به شکل هنری بیان شده است ودر پی انتقال این مفهوم است که میان موجودات تنها انسان شایستگی برای برداشتن این بار امانت داشت و این بدلیل قابلیتهای ذاتی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است.این تمثیل ترسیم شگفتی از استعدادهای موجودات و نیز قابلیت کاملترین موجود است که خود واقعیتی خارجی است نه پنداری خیالی.لذا طبق نظر این دسته از اندیشمندان آمیخته بودن هنر و ادب با تاریخ ، شیوه معمول قصص قرآن است که آن را اثرگذارتر و جذابتر ساخته است.(معرفت، ۴۳۷- ۴۳۸)

۵-صحنه پردازی و تصویر گری: به طور کلی درهمه ی داستانهای قرآن ،شیوه قرآنی این است که با صحنه پردازی و تصویرگری ،عمیقترین مفاهیم فلسفی را برای انسانهای عادی قابل درک و لمس سازد.در واقع به جز این راهی دیگر برای رهیافت به مسایل فراتر از محسوس برای عموم مردم وجود ندارد و از این روش نه تنها قرآن بلکه متفکران بشری نیز برای انتقال اندیشه ها و پیامها و احساسات خود به دیگران بهره میگیرند. در ماجرای فرزندان آدم و حوا ع نیز همین روش اعمال شده در آنجا با تصویر گری به خطر بی تقوایی و حسادت هشدار داده شده بطوریکه این رذیله اخلاقی می تواند منجر به قتل برادر شود .

۶- روش الگوسازی

یکی از راههای آموزش سریع مسایل و انتقال مفاهیم در بحث تعلیم وتربیت ارائه الگو و معرفی مصداق ها به گونه ای مستند و قابل فهم میباشده به عبارتی دیگر ، روش الگویی در تربیت ابتدایی انسان نیز بسیار مؤثر است به طور کلی ، تمایل فطری بشر به سوی قهرمانان واقعی و الگوهای والای انسانی ،می تواند کمک مؤثری به پرورش فضایل اخلاقی در فرد و جامعه بنمایدو قرآن این امر مهم را در بیان سرگذشت پیشینیان بدرستی انجام داده است.قرآن کریم نمونه های فراوانی از این الگوها را در بعد ایمان و کفر و انحرافهای فکری و عملی و یا پایداری در هر دو سو برای ما نشان میدهد.و سعی می کند خطوط اصلی امتیازهای آنان را در هر زمان و مکان در قالب قصه های قرآنی برای ما روشن سازد . (فضل الله، ۳۴۵) الگوهای قرآنی تنها از اندیشه دینی آغاز نمیشوند بلکه الگوهایی وجود دارند که از شخص خاصی آغاز و از خلال تصویرگری وی به الگویی از گونه خاص بشر ختم میشوند مانند قابیل و فرعون و...در ضمن الگوهای قرآنی به ذکر جزئیات تشکیل دهنده الگو تکیه نمیدهند بلکه بر اشاره گذرا تکیه کردند. از طرفی این الگوهای قرآنی جهان شمول بوده مقید به زمان و مکان خاصی نیستندبلکه تمام انسانها را با اختلاف طبقات و گروههای آنها در بر میگیرندو این با متن قرآن که همه ی انسانها را در هر عصری مورد خطاب قرار میدهد ، سازگاری دارد.(راغب،۳۸۴- ۳۸۵)با نگاهی گذرا به داستان زندگی آدم علیه السلام درزمین ، می توان به واقع دریافت که این پیامبرالهی و اسوه ی قرآنی ، بارزترین شخصیت را در توبه ی حقیقی و بازگشت به سوی خداوند داراست و می تواند الگویی کامل برای همگان باشد تا هر انسان طالب حق و کمالی بتواند راه صحیح

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

زندگی را از این انسان وارسته فراگیرد. « **فَتَلَقَّى آدَمُ مِن رَبِّهِ كَلِماتٍ فَتابَ عَلَيهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ** » (البقره ، ۳۷)

در حقیقت خداوند متعال در قالب مثال این معنا را بیان می کند که نه تنها آدم را بعد از توبه اش به سعادت برگردانیدبلکه هر انسانی که راه خطا پیموده اگر برگردد خدای تعالی او را نیز به دار سعادت برمیگرداند. قرآن در نقل داستان آدم و همسرش علیهما السلام اشاره به ادب آنها نموده از زبان آن دو بزرگوار می فرماید : « **قَالَا رَبَّنَا ظَلَمنَا أَنفُسَنَا وَ إِن لَّم تَغفِر لَنَا وَ تَرحَمنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الخَاسِرِينَ** »(الاعراف،۲۳)

۷- **تکرار قصه :**یک روش نقل داستان در قرآن گزارش حوادث بصورت منظم است که واقعه ای مرحله به مرحله تا به پایان نقل میشود مانند داستان حضرت یوسف ع و ارزش این روش به این است که نقل کننده بجای ارشاد مستقیم مخاطب با جلب توجه او به نکات ظریف در داستان ،مطالبی را بطور غیر مستقیم به وی انتقال میدهد.برخی دیگر از داستانها نه در یک سوره بلکه در چندین سوره قرآن تکرار شده اند .قصه آدم و حوا در هفت جای قرآن آمده است در سوره های "البقره ، الاعراف،الحجر،الاسراء،الکهف،طه و ص" این هفت تصویر در امتداد یکدیگرند و در مجموع قصه ای واحد می سازند تکرار قصه در این هفت سوره به معنی تکرار مکررات و حرفهای مشابه نیست بلکه در هر تصویری یک زاویه از قصه آدم به نمایش گذاشته شده از این رو برخی جلوه ها که مشتمل بر برخی پیامها هستند در بعضی تصاویر موجودند و در بعضی دیگر جلوه های دیگر با پیامهایی دیگر .در هر حال در تکرار قصه غایتی نهفته .حال آن غایت یا نمایاندن قصه از زاویه ای خاص است و یا ارائه پیامی جدید و یا ارائه همان پیام برای تاکید.(حسینی ابوالقاسم،۲۳۶- ۲۳۷)

۸-تلخیص و گزیده گویی در داستانهای قرآن:برای توضیح و ذکر نمونه درباره چگونگی تلخیص و تقطیع داستانهای قرآن بعنوان یکی از شیوه های ارائه پیامهای الهی بهتر است درباره طرح داستان توضیحی مختصر داده شود.طرح داستان از رویدادها و وقایع مهم در یک داستان معین ساخته شده که این وقایع پیامدهای مهمی نیز بدنبال دارند.(دیبل،۱۷)شاید بتوانیم حدس بزنیم دلیل اختصار گوئی داستانهای قرآنی چیست.قطعا در داستانهای قرآن که احسن القصص از هر نظر میباشند قوانین مربوط به بلاغت و فصاحت و زیبائی و هنر بیش از هر جای دیگر رعایت شده لذا خداوند متعال در بازگو کردن وقایع در قصص ،از بیان جزئیاتی که لزوما طرح داستان نیستند یعنی فقط حوادثی هستند که به اتفاق مهمی ختم نمیشوند و پیامد مهمی ندارند ،خودداری کرده است.وقایعی چون ازدواج و تولد و زمان و مکان تولد و کارهای ساده ای که شخصیتهای داستان انجام میدهندو ...که هم به تنهایی و هم از نقطه نظر پیامدهای بعدی و حتی از نقطه نظر انتقال پیام دارای اهمیت نیستند در داستانهای قرآن کنار گذاشته شده اند.[1] بطور کلی در ادبیات داستانی عموما وداستانهای قرآنی بویژه تمامی حوادث سطح داستان مو به مو در سطح متن ذکر نشده و اصولا هنر در این است که ضمن تعقیب هدف اصلی هرگاه مناسبتی ایجاب کرد گلچینی از سطح داستان را به اندازه و به شیوه ای مناسب در سطح متن ذکر کند(حری،ش۷-۸،ص۱۲۸-۱۲۹)

۱- نک: دیبل انسن، طرح در داستان،ترجمه مهرنوش طلائی،۱۳۸۷،فصل اول و تاملی دیگر در باب داستان، پرین لارنس ،ص۲۶-۴۴

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

۹-واقعگرائی در داستانها:[1] رئالیسم ادبی عبارت است از چیزی که یا واقعیت خارجی دارد و یا میتوان مشابه و مصداق های خارجی برای آن پیدا کرد.یعنی عین داستان با اشخاص و مکان ها و زمانها ممکن است مطابقت نداشته باشد و این همان نباشد. ولی رئالیست قرآنی عبارت است از حوادثی که در خارج از ذهن اتفاق افتاده و قصه قرآن گزارش آن واقعه است.البته مثلها و ضرب المثلها از آن دسته ای هستند که گرچه گزارش واقعیت اتفاق افتاده نیست ولی میتوان مصداق خارجی برای آن پیدا کرد .(ولی زاده،۳۱- ۳۲)**به** تعبیری دیگررئالیسم **در** قصه های قرآنی برپایه واقعیتهای خارجی استوار است و آنچه که بعنوان قصه در قرآن نقل شده زمانی بوقوع پیوسته و تحقق یافته است.حتی آنها که جنبه اعجاز داشته اند و شکی نیست که همه داستانهای قرآنی از جمله داستان خلقت برخلاف سایر قصه ها که زاییده تخیل نویسنده آن است؛همگی اموری واقعی است[2] و اصولا با ذکر مطالب واقعی است که مقدمات پندگیری هم فراهم می آید قرآن به صراحت و مکرر بیان نموده که از اباطیل و خرافه گویی که در کتابهای سایرامتها وجود دارد منزه است. (سبحانی،۱۶،۱۳۸؛۱۷)و لیکن مخاطب قرآن موجودی محدود و مادی است با ابزار مادی لذا جهت دریافت مفاهیم عمیق معنوی ضروری مینماید از شیوه های غیر معمول بهره گرفته شود و اینچنین است که حقایق مد نظر خداوند متعال گاه در لفافه و گاه به شکل تشبیه و تمثیل بر انسان تنزل پیدا می کند . گفت و گوی خدا با فرشتگان فرمان سجده ،استکبار ابلیس و...همه واقعیت بیرونی و حقیقی داشته لیکن این الفاظ فقط بر معانی مانوس ذهن ما دلالت ندارد بلکه بر یک معنی جامعتری دلالت دارد و این داستان علاوه بر معانی ظاهری و اصالت و حقیقت این معنای ظاهری ،دارای معانی عمیق تری نیز میباشد.(صالحی،فصلنامه مشکوة،ش۸۴؛۸۵) در واقع بیان قرآن ،بیان ادبی؛تاریخی است .به تعبیر شهید مطهری ،قرآن داستان آدم را بصورت به اصطلاح به سبک سمبولیک[3] طرح کرده اما نه به این معنا که "آدم " که در قرآن حکایت او نقل شده نام شخص نباشد قطعا آدم اول یک فرد و یک شخص است و وجود عینی و خارجی داشته بلکه سکونت آدم در بهشت و اغوای شیطان و هبوط آنها و توبه کردنشان و ...بصورت سمبلیک بیان شده.(مطهری،۵۱۵) در داستان فرزندان آدم و حوا ع نیز فرموده « **واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق** » (المائده ،۲۷)تعبیر "حق" حاکی از این است که اصل ماجرا واقع شده و امر حقیقی است نه تخیلی. (جوادی آملی،۱ / ۴۳۷ -۴۳۸)

۱- رئالیسم یا واقعگرایی و واقع بینی ،اشتغال به حقیقت و واقعیت.ساده تر اینکه رئالیسم با امری ملموس و کاملا عینی سرو کار دارد.بنگرید به آشنایی با مکتبهای ادبی،(منصور ثروت،۹۷ -۱۲۰)

۲-سبک رئالیسم:اشتغال به حقیقت و واقعیت و اعتقاد به حقیقت در کائنات و و اعتقاد به اینکه اشیاء مورد ادراک حواس ما واقعا دارای وجود مستقلی هستند و تصویر و تجسیم واقعیات و تاکید در مواد عملی مطالعات و انکار وهمیات از ویژگیهای این نوع سبک میباشد.(آشنایی با مکتبهای ادبی،ثروت،۹۷)

۳- سمبولیسم: (Symbolosme):در زبان فارسی سمبل را به نمود و نماد ،نماینده ،رمز و اشاره ترجمه کرده اند و در هر حال به چیزی یا عملی گویند که هم خودش باشد و هم مظهر مفاهیمی فراتر از وجود عینی خودش .نماد مظهر مفاهیمی پیچیده است مانند برگ و زیتون با مفهوم صلح که از قدیم الایام مانده است. و البته نمادها در شرائط متفاوت مفاهیم متفاوتی را می رسانند.(ثروت،۱۶۰)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

روشهای انتقال مفاهیم در عهدین

ذکر این مطلب ضروری است که گرچه مسلمانان با تکیه بر آیات ۳ و ۴ سوره آل عمران بر این باورند که تورات و انجیل نیز همانند قرآن نازل شده است ، اما از سوی دیگر با تکیه بر آیات ۴۳؛۴۱ سوره المائده و ۱۷۱ سوره النساء، به این نتیجه رسیده اند که وحیی را که خداوند متعال بر آنان نازل فرموده بود ، تحریف شد.اما در هر حال آنچه که پیروان این ادیان بدان معتقدند و بدان استناد می نمایند ،همین کتابی است که بدست ما رسیده است لذا در بررسی حاضر ،کتاب مقدس کنونی را بعنوان مآخذ و منبع قرار میدهیم.

شیوه های انتقال مفاهیم در داستان خلقت در تورات

۱- روش ادبیات عامیانه

نورتروپ فرای منتقد کانادایی در کتاب رمز کل در باره ادبیات کتاب مقدس به تفصیل سخن گفته .به زعم این نویسنده کتاب مقدس گرچه به لحاظ هدف یا نقش خود اثری ادبی نیست ولی همه ویژگیهای ادبی در آن جمع شده است.و بر آثار و جریانهای ادبی تاثیر گذار بوده است و چنین اثری یقینا خود بی بهره از صفات ادبی نخواهد بود فرای معتقد است رویدادهای تاریخی کتاب مقدس به اعتبار تاریخیتشان محل اعتنا نیستند چنان چه شرح خروج عبرانیان از مصر و طی طریق آنها به رهبری موسی مستند به سند تاریخی نیست و حاصل آنکه تفسیر لغوی و داستانهای کتاب مقدس از رویکردی ناصواب بر میخیزد لذا همچون اشعار بزرگ ، نیازمند قرائت تمثیلی است وی معتقد است استعاره در قرائت مسیحی از کتاب مقدس جایگاه کلامی و هرمنوتیکی دارد از سوی دیگر عهد جدید کلید عهد عتیق است نوع شناسی که در واقع حکم صناعت ادبی را دارد ، در این کتاب جریان دارد مانند تناظر آدم و عیسی .(فرای، برگرفته از فصل دوم دوم کتاب)[1] نویسندگان عهدین از طریق قصه گوئی و ضرب المثل گوئی فرهنگ و اعتقادات قوم خویش را سینه به سینه نقل کرده اند تا بدست انسانهای اعصار بعدی نیز برسد.و اصولا تاریخ گوئی و قصه گویی راهی بود برای آگاهی نسل جدید از تاریخ عبرانیان. برخی قصه گویان دوره گرد دقیقا به همین منظور داستان سرائی میکردند.(المسیری،۳/ ۴۹۳) **که همان ادبیات عامیانه**[2] است .

۲۲- بهره گیری از رمز و نماد[3]:

به نظر می‌رسد ذهن و اندیشه یهودی دست‌کم در برهه‌ای خاص شیفته نمادگرایی، رمزگرایی و اسطوره‌گرایی بوده و شاید به همین سبب است که علمای یهودبر این شده اند که کتاب‌های مقدسشان آکنده از قصه‌هایی باشد که به یاری تفاسیر رمزگشا و رمزبین،خوانده شود افزون بر تعدد قصه‌های اساطیری در عهد عتیق، مطالعه‌ای درباره‌ی آیین قبالا (کابالا)، فرقه‌های یهودی گنوسی و نیز بررسی تلمود، دلایلی

۱- برای مطالعه نقد ادعای فرای نک:کتاب مقدس به منزله متن ادبی،(مشیت علایی،ش۱،۶۹-۸۸)

۲- مجموعه ترانه ها قصه ها و اساطیر و ضرب المثل های رایج در میان یک قوم است و موضوعات آن فرهنگ بر گرفته از قوم است و طبق این تعریف به نظر میاید برخی داستانهای عهدین از این قبیل باشند بنگرید به فرهنگ اصطلاحات ادبی، (سیما داد، ۱۹)

۳- سبک نماد گرا:نماد ادبی نشانه ای زبانی است برای صورت بخشی به مفاهیم ذهنی و انتزاعی .(فتوحی،۳۰۷)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

دیگر بر رمزگرایی یهودیان باستان آشکار خواهند کرد.(نجفی،۷۱) ساختار رمزگرایانه قصص عهد عتیق گرچه از سوی منتقدان دین یهود حمل بر خرافه‌پرستی شده و گاه نزد برخی از یهودیان به تعصب‌هایی نیز انجامیده، اما از سوی دیگر، به ویژه در دوره‌ی معاصر ادبا، منتقدان، روان‌شناسان، اهل فلسفه، عارف مسلکان و... به آن توجه کرده‌اند. یکی از ویژگیهای اساطیر یعنی تاویل پذیری ،در قصه آفرینش آدم و حوا به چشم می خورد و همین ویژگی رمزآگین بودن متن، خواننده و پژوهشگر را قادر میسازد که با تکیه بر قدرت فهم و تحلیل خود، معناهای متفاوتی از قصه بدست آورد ."بطور کلی پیغام یک کتاب معمولا همراه با ساختار ادبی و خصوصیات آن کتاب است و جملات به شکل رمز و اعداد و نماد و سمبل در کتاب پیدایش و در قصه آدم ارائه گردیده است.(محمدیان، ۱۳۳)

۳- نقل پررنگ حکایت خلقت: (اطناب)

این نوع نوشتار که در آن واقعه با ذکر جوانب آن و بصورت دقیق بیان شده و در طول داستان به موقعیتهای جغرافیایی و زمانی توجه ویژه ای شده حاکی از این است که نویسندگان آن تاریخ نگار بوده اند و سعی آنان در ذکر زمان و مکان و نام اشخاص بوده و کمتر به مسایل اخلاقی و مباحث عقیدتی پرداخته اند.به نظر میرسد وجوه ارشادی و اندرزگوئی قصص عهد جدید و قرآن مجید بارزتر است و سعی نموده اند از داستان گوئی صرف بپرهیزند[۱].(نجفی،۷۳)

۴-بهره گیری از تمثیل :در فقراتی از کتاب مقدس که بعنوان مثال از مورد خطاب قرار گرفتن بشر از سوی خداوند سخن به میان میاید چنین تصور میشود که در واقع سخن گفتن نمادها وصور خیال نیست بلکه سخن گفتنی بر سبیل تمثیل است(سفر پیدایش:۸/۳-۱۳)زیرا زمانی که از سخن گفتن خداوند صحبت می کنیم ،این فعل خدا را فعلی قیاس پذیر یا مماثل با افعال انسانها تصور می کنیم و این همان معنای تمثلی فعل خداوند است و در این معنا است که ما از عشق و عنایت خداوند به انسانها و از خشم او یا لطف او سخن می گوییم.و در این معنای تمثیلی است که از خدا بعنوان پدر یاد کرده میشود. (بولتمان،۸۹)یا در آن فقره **از سفر** پیدایش که نوشته خدا آدم را به شکل خود آفرید(سفر پیدایش:۲۷/۲) در حقیقت با این تمثیل شباهت آدم و خدا را در قدوسیت و عدالت رسانده است.(هاکس،۲۶)

۵-سبک اسطوره ای:حکایت آدم در کتاب مقدس بقدری شبیه داستان آداپا است که او را آدم بابلی نامیده اند [۲] در این خصوص باید نقش عوامل تاثیر گذار فرهنگی بویژه عناصر برخاسته از فرهنگهای غیر دینی و شرک آلود مانند فرهنگ یونانیان و رومی ها مورد توجه خاص قرار گرفته و رد پای باورهای اسطوره ای خرافی و غیر دینی آن فرهنگها در سنت یهودی مورد مطالعه قرار گیرد.(کلباسی اشتری، ۱۸۶) بویژه اینکه گفته میشود اسفار عهد عتیق در عصر فساد و اضطراب بنی اسرائیل نگاشته شده و یهود انعکاسی

۱- بنگرید به سفر پیدایش:۷/۲-۱۴

۲-بنگرید به راهنمای کتاب مقدس،هنری هلی،بی تا،۴۱

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

از اخلاق و امال خویش را در تورات جمع ساختند که یا تحقق یافته بود و یا ارزوی تحقق آنرا داشتند (الشبلی، ۲۴۴)

۶-تشبیهات ادبی:در داستان خلقت و البته در نوشته های دیگر گاه با این جملات مواجه میشویم خدا با آدم راه میرود (پیدایش:۲)،خود را برای غذا خوردن با ابراهیم دعوت میکند (پیدایش:۱۸) امر و نهی می کند یا صدا میزند و...(پیدایش:۳)و بطور کلی میبینیم خدا دارای جنبه بسیار انسانی است .این نوشته ها حاکی از تشبیهات ادبی است که در آن خدا غالبا شبیه یک انسان داده شده و این ویژگی نویسنده ی یهویست[1].(شارپانتیه،۶۲)

نتایج مقاله

۱- داستانهای قرآن،افسانه و دروغ نیست و خداوند متعال، معارف بلند و عمیق و حکیمانه را در قالب داستانهای حقیقی ،و با سبکها و روشهای مختلف به انسانها انتقال داده است .در میان مخاطبان قرآن هم انسانهای ساده اندیش وجود دارد و هم انسانهای ژرف اندیش.لذا لازم است قرآن در سطوح مختلف و اسلوبهای متنوع ،معارف را بیان کند تا ژرف اندیشان به بهانه پیچیدگی و ساده اندیشان به بهانه پیچیدگی خود را از آن محروم نکند.

۲- در داستانهای تورات نیز گاه اسلوبهای مختلفی را مشاهده میکنیم که در جهت ارائه گزارشی و یا حتی ارائه مفهومی نویسندگان کتاب مقدس بدانها توسل جسته اند اما تنوع سبکها در داستانهای تورات به اندازه تنوع آن در داستانهای قرآن نیست و به نظر میآید بیشتر جهت ارائه گزارش تاریخی نوشته شده باشند تا برای انتقال مفاهیم بلند معرفتی.

۱- سنت یهویستی یعنی سنتی که در آغاز خدا را یهوه مینامد که به زمان سلیمان برمیگردد و از محافل سلطنتی اورشلیم سرچشمه گرفته است .بنگرید به چگونه عهد عتیق را بخوانیم،اتین شارپانتیه،۱۹۸۲،۴۷-۴۸

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- کتاب مقدس

۳- ابن منظور،محمد ابن مکرم،لسان العرب، چاپ اول، لبنان: داراحیاءالتراث العربی،۱۴۰۸

۴- احمد علی، اسعد،**تفسیر القرآن القرآن المرتب منهج لليسر التربـوی**ّ،چاپ چهارم،دمشق: دار السوال للطباعۀ و النشر،۱۴۱۷

۵- انوری،حسن،**فرهنگ بزرگ سخن**، چاپ دوم،تهران: انتشارات سخن،۱۳۸۲

۶- ایازی،محمد علی،**قرآن اثری جاویدان**، چاپ اول،رشت: انتشارات چاپ مبین،۱۳۸۱

۷- برومند،سید مهدی، **شیوه های تعلیم در قرآن و سنت**، چاپ اول،رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰

۸- بستانی،محمود،**پژوهشی در جلوه های هنری داستانهای قرآن**،ترجمه موسی دانش،چاپ چهارم،بنیاد پژوهشهای اسلامی،۱۳۸۶

۹- بولتمان،رودلف،**مسیح و اساطیر**،ترجمه مسعود علیا،چاپ اول،تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰

۱۰- ثروت،منصور،**آشنایی با مکتبهای ادبی**،،چاپ اول،تهران: انتشارات سخن،۱۳۸۵

۱۱- جعفری، سید حجت،**کتابشناسی موضوعی تفسیر بر اساس ترتیب نـزول**،*فصلنامه پژوهشهای قرآنی*،شماره ۶۲؛۶۳،صص ۲۷۲ـ ۲۹۶ ،زمستان ۱۳۸۹

۱۲- جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی قرآن سیره پیامبران** در قرآن، چاپ ششم ،قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹

۱۳- حاجیان،فردوس، **قرآن، زبان نمادین، اسطوره و هرمنوتیک**، *پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱*

۱۴- حری، ابوالفضل،**مولفه های زمان و مکان روایی در قصص قرآن**، *فصلنامه ادب پژوهی*، ؛شماره ۷-۸،بهار و تابستان ۱۳۸۸

۱۵- حسینی،سید ابوالقاسم،**مبانی هنری قصه های قرآن**،چاپ سوم،تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۷۹

۱۶- حکمت،علی اصغر،**امثال قرآن فصلی از تاریخ قرآن کریم**، چاپ دوم،تهران: انتشارات بنیاد قرآن،۱۳۶۱

۱۷- الخوری الشرتونی،سعید،**اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد**، ،ج۴و ۲،تهران: دارالاسوه للطباعه و النشر، ۱۳۷۴

۱۸- داد،سیما،**فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ دوم، تهران: نشر مروارید، ۱۳۷۵

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

۱۹- دهخدا ،علی اکبر،**لغت نامه**،ج۴و ۲،ترجمه سید جعفر شهیدی ،چاپ اول ،تهران: انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۷۳

۲۰- دیبل،انسن،**طرح در داستان**، ترجمه مهرنوش طلائی،چاپ اول، اهواز: نشر رسش،۱۳۸۷

۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد،**مفردات ألفاظ القرآن**،محقق صفوان عدنان داوودی، بی چا،دمشق: دار القلم؛ الدار الشامیة،۱۴۱۲

۲۲- زمخشری،محمود ،**تفسیرالکشاف عن حقایق غوامض التنزیل**،چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی،۱۴۰۷

۲۳- سبحانی،جعفر،**منشورجاوید**،چاپ اول،قم: موسسه امام صادق ع، ۱۳۷۰

۲۴- سجادی ،سید جعفر،**فرهنگ معارف اسلامی**، چاپ چهارم،تهران: نشر کومش،۱۳۷۹

۲۵- سیوطی،جلال الدین عبدالرحمن ،**الاتقان فی علوم القرآن**،چاپ چهارم،تهران: انتشارات امیرکبیر،۱۳۸۴

۲۶- شارپانتیه،اتین،**چگونه عهد عتیق را بخوانیم**،تهران: کانون یوحنای رسول، ۱۹۸۲

۲۷- الشبلی،احمد،**مقارنة الادیان**،چاپ دوم،قاهره: ،مکتبة النهضة المصریه،۱۹۶۷

۲۸- صالحی،مجید،**داستان آدم ابوالبشر در نگاه دانشمندان اسلامی**،*فصلنامه مشکوة*،شماره ۸۵-۸۴ ،زمستان ۱۳۸۳

۲۹- الطریحی،الشیخ فخرالدین،**مجمع البحرین**،چاپ دوم، نشر فرهنگ اسلامی،۱۴۰۸

۳۰- عباسی مقدم ، مصطفی،**اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان**،چاپ اول،قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۹

۳۱- فتحی،احمد عامر،**المعانی الثانیه فی الاسلوب القرآنی**،بی چا، قاهره: منشاة المکارف باالاسکندریة ، بی تا

۳۲- فتوحی،محمود،**دانشنامه زبان فارسی ۲**،زیر نظر اسماعیل سعادت،،چاپ اول،تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی،۱۳۸۶

۳۳- الفراهیدی ،الخلیل ابن احمد،**ترتیب کتاب العین**، چاپ اول، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴

۳۴- فرای،نورتروپ،**رمز کل:کتاب مقدس و ادبیات**،ترجمه صالح حسینی،چاپ دوم،تهران: نشرنیلوفر، ۱۳۸۸

۳۵- فضل الله، محمد حسین، **گفت و گو و تفاهم در قرآن کریم**، ترجمه حسین میردامادی، چاپ اول ،تهران: مرکز گفت و گوی تمدنها، ۱۳۸۰

۳۶- کزازی،میر جلال الدین،**رویا ،حماسه،اسطوره**، چاپ ششم،تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۰

۳۷- کلباسی اشتری،حسین ،**مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس**، چاپ دوم، انتشارات پژوشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]

۳۸- لارنس،پراین،**تاملی دیگر در باب داستان**،ترجمه محسن سلیمانی،چاپ اول،تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،۱۳۶۲

۳۹- لوییس،معلوف،**المنجدفی اللغه**،چاپ سوم،تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۷

۴۰- محمدیان ، بهرام ، **دائرۀ المعارف کتاب مقدس**،چاپ اول ،تهران: انتشارات روز نو،۱۳۸۰

۴۱- المسیری،عبدالوهاب،**دایرۀ المعارف یهود و یهودیت –صهیونیسم**، چاپ اول، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین،۱۳۸۳

۴۲- مطهری،مرتضی،**مجموعه آثار**،چاپ دوم،تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۰

۴۳- معرفت،محمد هادی،**شبهات و ردود حول القرآن الکریم**،چاپ اول،قم: موسسه التمهید،۱۴۲۳

۴۴- نیشابوری،نظام الدین حسن ابن محمد،**غرائب القرآن و رغائب الفرقان**،چاپ اول،بیروت: دارالکتب العلمیه،۱۴۱۶

۴۵- ولی زاده،علی،**اشارات فنی به قصه های قرآن**،چاپ اول،همدان: انتشارات مفتون همدانی، ۱۳۷۸

۴۶- هاشمی ، جمال ، **اسطوره شناسی مینوی**، چاپ اول ، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰

۴۷- هاکس،جیمز،**قاموس کتاب مقدس**،ترجمه مستر هاکس،چاپ دوم تهران: انتشارات اساطیر،۱۳۸۳

۴۸- هلی،هنری،**راهنمای کتاب مقدس**، ترجمه جسیکا باباخانیان و دیگران،چاپ اول، Arc publications، بی تا

۴۹- یوسفی اشکوری،حسن،**بازخوانی قصه خلقت**،چاپ اول ،تهران: نشرقلم،۱۳۷۶

۵۰- نجفی،رضا،**داستانهای عهد عتیق و مقایسه تطبیقی آن با قصص قرآنی**،کتاب ماه ادبیات و فلسفه،شماره ۷۷، اسفند ۱۳۸۲

۵۱- همامی عباس ؛ زارعی جلیانی محسن، ***بررسی تطبیقی اصول و روش های تبلیغی در قرآن و عهد جدید***، *پژوهش دینی ، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶*

۵۲- Encyclopaedia of religion , Mircea Eliade,Entry :Myth,۲/۷۳۰,ED

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.3.8]